

عنوان مقاله:

تحول مفهومی دولت و جامعه در دوران روشنگری با تمرکز بر فلسفه هابز

محل انتشار:

دوفصلنامه هستی و شناخت، دوره 9، شماره 1 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

ساسان کریمی - پژوهشگر پسادکتری، گروه مطالعات آمریکا، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

فلسفه روشنگری و به خصوص اندیشه هابز در مفاهیمی از قبیل دولت و جامعه، منشاء بسیاری از بحث های بعدی در علوم اجتماعی و سیاسی است. نگاه هابز به انسان و ترسیم وی از وضع طبیعی و تمدنی یکی از ستون های اصلی سیاست مدرن در نظرگاه او است. او انسان را «گرگ انسان» می داند و وضع تمدنی بر مبنای قرارداد اجتماعی را زاده ضرورتی از باب امنیت و تامین منافع جمعی. به عقیده هابز، جامعه، وضعیتی بنیادین و ناگزیر برای زندگی گروهی نیست بلکه تنظیم آگاهانه حالتی ستیزه جویانه بین انسان هاست که هر لحظه در معرض شعله ور شدن است. بیشتر مردمان در یک جامعه بر پایه این پیمان، تمامی قدرت خود را به یک شخص و یا به مجمعی از اشخاص واگذار می کنند تا به شیوه ای این اراده های مختلف را به اراده های واحد تبدیل کند. به جز آراء هابز در این مقاله بر آنیم تا به خصوص با اشاره های اجمالی به دوره روشنگری تحول مبنایی گذار از اخلاق کلاسیک مبتنی بر خیر، به اخلاق مدرن اجتماعی مبتنی بر منافع عمومی را بررسی کنیم. در نتیجه گیری به بازتعریف نسبت انسان دوران روشنگری با دولت و جامعه پرداخته و سیاست اخلاق را ذیل آن و در دستگاه فلسفی دوران روشنگری تبیین می کنیم.

کلمات کلیدی:

روشنگری، وضع طبیعی، قرارداد اجتماعی، وضع تمدنی، منافع عمومی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1965506>

